روزنامه شرق

شنبه ۲ آذر ۱۳۹۲ • ۱۹ محرم ۱۴۳۴ • ۲۳ نوامبر ۲۰۱۳ • سال یازدهم • شماره ۱۸۸۷ • ۱۲ صفحه+ ۱۶صفحه ضمیمه

روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶

تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷

امور مشترکین: تلفن: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰

توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰

چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

www.sharghdaily.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۱ اذان مغرب ۱۷:۱۳ اذان صبح فردا ۵:۲۱ طلوع آفتاب ۶:۴۸

بزرگداشت معصومی‌همدانی در شهر کتاب

شرق: مراسم بزرگداشت مقام علمی و فرهنگی دکتر حسین معصومی‌همدانی همزمان با شصت‌وپنجمین سال زندگی او امروز ساعت ۱۶ با حضور اصحاب فرهنگ، اندیشه و علم در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود. جایگاه حسین معصومی همدانی در حوزه تاریخ علم، ادبیات و فلسفه مورد نظر صاحب‌نظران است و دانش وسیع و عمیق او زبانزد خواص. در این مراسم محمدعلی موحد، فتح‌الله مجتبایی، ضیاء موحد، نصرالله پورجوادی، هوشنگ رهنما، کامران فانی و... درباره مقام علمی و فرهنگی معصومی‌همدانی سخن می‌گویند.

یادمان

«دریابندری»؛ سرنمون روشنفکری ما

بزرگ پورجعفر

● آنگاه که به تاریخ پویش‌های روشنفکران ما در ۴۰ سال اخیر درنگ می‌کنیم، جایگاه ویژه «نجف دریابندری» برای هر پژوهنده ای نظرگیر می‌شود. دست‌کم ۴۰ سال آزگار در این زمینه گرانقدر پا فشرده است و به اتکاء دانشِ آموخته از ورزیده‌ترین اندیشه ورزان میهن خود و جهان توانسته است به جریان روشنفکری جامعه ما همواره توش و توان تازه ببخشد، در کشت بذر روشنفکری در جامعه سخت پیاده فرهنگی ما به باور من با یک شخصیت «سرنمون» روبه‌رو هستیم. به راستی در چهار دهه اخیر، در خون‌رسانی به جریان روشنفکری و بالاندن روشنفکر معمولی و میانه حال چه کسی به قدر «نجف دریابندری» اثرگذار بوده است؟ من که هم‌پالگی این مرد بزرگ-البته تنها در سن و سال- هستم، با خواندن تقریبا بلافاصله هر اثرش که به بازار کتاب عرضه می‌شده، همواره سیراب شده ام و خود را از جایگاه ذهنی ای به جایگاه فراتری دیده ام. به جا می‌دانم که در کمانک بگویم «ایرج پارسی نژاد» پژوهنده پیگیر و پرکوش در تالیف روشنگران ایرانی و نقد ادبی بر نام‌هایی دست تاکید گذاشته است که به حق و سزاوار بوده، نام‌هایی از دست میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی و شش چهره گرانقدر و بزرگوار دیگر، که برآمده از زمانه انقلاب مشروطیت تا به زمانه «صادق هدایت»اند. از دید من در هر نوشته از بیوگرافی «دریابندری» سخت سزاوار است که آثار او اعم از تالیف یا ترجمه برای ثبت در تاریخ یاد شود. در کتاب‌شناسی نویسنده پرکوش و بی بدیل ما با ۳۱ عنوان آشنا می‌شویم که همه آن‌ها بارها بازچاپ شده‌اند و می‌شوند. تاریخ فلسفه غرب برتراند راسل در چهار جلد، نمایشنامه‌های بِکِت در دو جلد، تاریخ روسیه شوروی، انقلاب بولشویکی در سه جلد، کتاب مستطاب آشپزی با همکاری فهیمه راستکار در دو جلد. از جمله عناوین آثار تالیفی عبارتند از: «در عین حال» مجموعه مقاله‌ها، به عبارت دیگر، مجموعه مقاله‌ها، درد بی‌خویشتنی، بررسی مفهوم الیناسیون در فلسفه غرب، یک گفت‌وگوی ناصر حریری با نجف دریابندری،، افسانه اسطوره: شرح چند نظریه در افسانه‌شناسی و نقد یک اصطلاح.

تولدی دیگر

اندر بلای سخت پدید آرند فضل و بزرگواری و سالاری

مهدی اخوت

حدودِ سه سال پیش شبی من و سپان رفته بودیم به دیدار دوستی از سفر آمده که مدتی سپان را ندیده بود و از کاهش وزن شدیدش حیرت کرد، چیزی که ما چون هر روز او را می‌دیدیم به آن توجه نکرده بودیم. آن شب موضوع به شوخی برگزار شد تا یکی دو روز بعد که قضیه جدی‌تر شد و به اصرار دوستانِ پزشک آزمایش‌ها و معایناتی انجام شد. این آغاز ماجرا بود: دیابتیا به قول خودش – شکر بیماری - درحد نگران‌کننده و احتمال سرطان لوزالمعده که به یک جراحی سخت نیاز افتاد و خوشبختانه سرطان نبود ولی از لوزالمعده فقط یک دکور باقی ماند و تصاویری از امحاء و احشاء اضافی بود که بیرون آورده شد (داستان آن ساعت‌سازی که معمولا مقداری پیچ و مهره بعد از تعمیر ساعت تحویل می‌داد و می‌گفت اضافی بود و صدالبته ساعت همچنان کار می‌کرد) و بعد پاشکستگی که به مقداری پیچ و مهره فلزی به جای امحاء و احشاء اضافی حاجت افتاد (البته پای لنگ هم با عصا کار خودش را می‌کند) و تا آمد نفسی به راحت بکشد سرطانی که نتوانسته بود در لوزالمعده جا خوش کند سر از ریه‌ها درآورد و آغاز شیمی‌درمانی که نتیجه درمان موفقیت‌آمیز بود و شاید یک معجزه.

و بلای سخت آمده بود و پدید آورد که همه پزشکان به خلاف شایعات مال‌اندوز و بساز بفروش و... نیستند بلکه بسیاری زندگی را وقف کمک به هم نوع کرده‌اند که اگر بخواهم نام ببرم مثنوی هفتادمن کاغذ می‌شود ولی با این حال دریغم می‌آید از دو انسان شریف یعنی دکتر شاکرمی و دکتر پیام آزده نام نبرم که یکی جراحِ او بود و دیگری دکتر معالج سرطانش (که هنوز هم او را تحت نظر و درمان دارد) و البته نام بردن از این دو نفر به معنی ارج ننهادن به زحمات دیگر پزشکان و پرستاران و پرسنل بیمارستان‌های تهران‌کلینیک، جم و پارسیان و پارس نیست که کم زحمت نکشیدند و نمی‌کشند. و باز دوستانی هم بودند، از زن و مرد، که بی‌توقع و چشمداشت شب و روز دویدند و از جان مایه گذاشتند که بدون آنان چه بسا خدای ناکرده من این دوست گرمابه و گلستان را از دست داده بودم و یکی از این همراهان هم صلاح‌الدین بود که هنوز هم هست و دوستی بی‌دریغش مغتنم و باز در این میان دیگرانی هم پیدا شدند که به قول طرف، ما در فکر «الکلّ و فی الکلّ» و رندان در فکر «الکل و فُکل». زندگینامه‌نویس‌ها و فیلمسازهای خلق‌الساعه‌ای سروکله‌شان پیدا شد تا پس از مرگ استاد از این نمد کلاهی به آنها نیز برسد، بعضی هم نماینده انحصاری و وابسته مطبوعاتی شدند و بعضی دیگر هم به جمع‌آوری اعانه از داخل و خارج برای هزینه معالجه استاد، تا جایی که مجبور شدم مصاحبه‌ای با خبرگزاری‌ها بکنم و بگویم دوست من حالش خوب است و برای معالجه هم امکان مالی دارد و دوستان خود را به زحمت نینداخته و عِرض ما را نبرند. بگذریم! روزهای سختی بود و گذشت بحمدالله! و اما صلاح‌الدین کریم‌زاده در این میان همه کار می‌کرد: پرستاری، شب زنده‌داری، همراهی و... فیلمسازی و همه از دل و جان و بدون تظاهر و به‌دنبال تهیه‌کننده و کسب منفعت هم نبود و همه هزینه‌های آن را از درآمد اندک خود می‌پرداخت، پیش از این هم یک فیلم کوتاه تا آنجا که می‌دانم ساخته بود ولی فیلمی که ساخته به نظرم به‌عنوان یک بیننده بی‌ادعا خوب شده است به دلیل مایه‌ای از عشق که چاشنی آن کرده است. به مادر می‌گفتم چرا وقتی شما غذا درست می‌کنید خوشمزه‌تر از غذای دیگران می‌شود، می‌گفت من عشق را چاشنی آن می‌کنم. به نظر من صلاح‌الدین در «فیلم قایق‌سواری در تهران» از جوی‌های تهران با عشق مروارید صید کرده است.

احسان گنجی

ehsanganji58@gmail.com

کارتون خواب

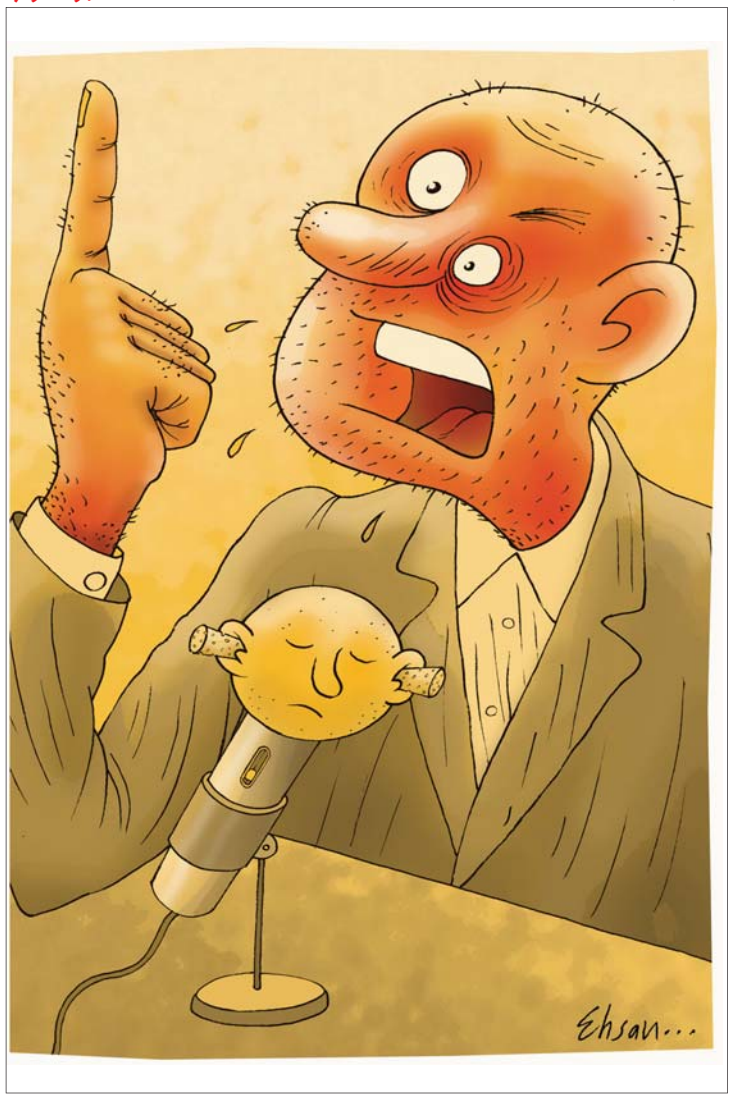

از هر نظر بی‌ضرر

مشکل اصلی غرب با ایران مشخص شد

پوریا عالمی

● همه فکر می‌کنند مذاکرات ایران با غرب بر سر مسایل هسته‌ای است. اما اینطور نیست. این اختلافات مربوط به دوران کودکی ایران و غرب است که غرب از ایران به دل گرفته و حالا دارد تلافی می‌کند. غرب برای اولین و آخرین‌بار در این گفت‌وگوی صریح و صمیمانه پرده از این مسایل برمی‌دارد.

غرب: حالا که ایران نصف جهان را در اختیار دارد، چرا نمی‌گذارد نصف دیگر جهان در دست غرب باشد؟

ظریف: ما نصف جهان را در اختیار داریم؟ تا دیروز می‌گفتید خاورمیانه در اختیار ماست، حالا شد نصف جهان؟

غرب در این لحظه چند عکس هوایی می‌گذارد روی میز و می‌گوید: اینهاش. پس این چی؟ (و در حالی که عکس‌های اصفهان را به ظریف نشان می‌دهد ادامه می‌دهد) دیدی ظریف‌جان. ما طبق اسناد می‌دانیم که از صدها سال پیش شما اصفهان را غنی‌سازی کرده‌اید. منتها هنوز نفهمیدیم اصفهان را غنی‌سازی کردید و تبدیل به نصف جهان کردید، یا نصف جهان را فشرده‌سازی کردید و با آب سخت شسته‌اید و توی اصفهان جا دادید.

در اینجا خانم اشتون ابراز می‌کند: ظریف‌جان، این را نمی‌توانید کتمان کنید. ما سند داریم چراکه فرمول شیمیایی اصفهان درواقع شهری برگشت‌ناپذیر است و اگر ازش بروی بیرون رفتی و بخواهی برگردی بهش، باید انرژی زیادی صرف کنی که هدایت این انرژی زیاد برای آدم داستان می‌شود طوری که وقتی آدم برمی‌گردد به اصفهان اینقدر خوشش می‌آید که رسما از خوشی می‌ترکد و این ترکاندن امنیت منطقه را به‌خطر می‌اندازد.

ظریف: واو. بگذارید من گزارش این جلسه را در فیس‌بوکم بنویسم، الان میام.

غرب: کجا؟ موضوع دیگری که باید ایران پاسخگو باشد این است که ایران هنر را آزاد کند.

ظریف: هنر؟ هنر دیگه کیه؟

غرب: هنر، «آرت». جهان از شما گله داره ظریف جان. سال‌هاست هنر را انحصاری در چنگ خود دارید. اینکه نمی‌شود.

ظریف: چی میگی؟

غرب: بله. هنر در جهان هی درجا می‌زند. بعد شما هنر را نزد ایرانیان نگه می‌دارید و بس. این رسمش نیست. بگذارید ما هم پیشرفت کنیم.

ظریف: دیگه چی؟ دیگه چی ذهنتان را درگیر کرده؟

غرب: مساله حقوق‌بشر هم هست.

ظریف: خب؟ باز هم می‌خواهید الکی گیر حقوق‌بشری بدهید؟ بی‌خیال. اگر راست می‌گویی یک سوزن به خودتان بزنید اول.

غرب: نه‌نه. گیر چیست عزیز من. ما می‌گوییم ایران منشور حقوق‌بشر کوروش کبیر را با جهان در میان بگذارد.

ظریف: یعنی چی؟

غرب: همین دیگر. ما نیاز به قوانین این منشور داریم تا اصلا بتوانیم به مفهوم حقوق‌بشر پی ببریم. ما را کمک کنید.

ظریف: خب. واقعا حرف حسابتان چیست؟

غرب: ببین ظریف‌جان، ما خیلی تحقیقات و جاسوسی‌جات کردیم و دیدیم اینطور که ایرانی‌ها می‌گویند شما آنقدر جلو هستید که اصلا هیچ‌کس دیگر در دنیا را قبول ندارید. ما شک کردیم که نکند واقعا خبری است و ما بی‌خبر مانده‌ایم. برای همین همه این تحریم‌ها و بیانیه‌های ضدایرانی فقط از حرص غرب به ایران بوده. بیا دیگر دوست شویم.

ظریف: خب حالا از من چه می‌خواهی؟

غرب: هیچی. فقط بگو چرا معتقدید همه‌چی را خارجی‌ها از ایران دزدیده‌اند؟

ظریف: خب این نکته خیلی ظریفی است. می‌دانی غرب‌جان، خب همه ما که اینطوری نیستیم. ولی خب وقتی دورهم جمع می‌شویم یا توی میهمانی می‌نشینیم یا سوار اتوبوس هستیم یا توی فیس‌بوک می‌رویم، یک‌طور بامزه این حرف‌ها را که تو می‌زنی می‌گوییم، ولی تو بمیری، ما اصلا اینطوری نیستیم. خیلی هم معقول و معمولی هستیم و خودمان را مرکز دنیا نمی‌دانیم. هههه... شوخی کردم.

پشت جلد

صد باد صبا*

کریم ارغنده‌پور

در آستانه صدمین روز استقرار دولت جدید چند نکته بیش از پیش باید مورد توجه قرار گیرد:

۱- گاهی جامعه چیزی می‌خواهد که اساسا ممکن نیست. مثل اینکه بخواهیم قیمت‌ها به ۱۰ سال پیش بازگردد و دستمزدها افزایش یابد. چنین امری در واقعیت امکانش نیست. هرکسی از کارهای نشدنی سخن گفت در صداقتش باید تردید کرد. روحانی اما نه چنین بوده و نه قرار است باشد. وقتی آقای روحانی در انتخابات خرداد گذشته برنده شد شوری عمومی در همه‌جای کشور برخاست و برق امید، جامعه را روشن کرد. نباید فراموش کنیم که آن امید و شور در درجه نخست از چه بابت بود. رای‌دهندگان مهم‌ترین چیزی که می‌خواستند دورکردن کشور از آسیب‌های بزرگی مثل جنگ و تحریم و سپس حاکمیت عقلانیت بر مدیریت اجرایی و در نتیجه، ایجاد ثبات در تصمیم‌گیری‌ها و روندهای آینده بود. بنابراین نباید دامنه قضاوت‌ها به قدری گسترده شود که مثلا صرف یک انتصاب یا یک تصمیم یا یک سخن، نظرمان را نسبت به کلیت موضوع تحت‌الشعاع قرار دهد و امیدواری جای خود را به یأس دهد. هر چیزی در جای خودش باید تحلیل و در نظر گرفته شود. جامعه ما گاهی به همان زودی که امیدوار می‌شود، مایوس هم می‌شود. در این‌باره باید هشدار داد. دو چیز را هیچ‌گاه نباید از نظر دور داشت: اول اینکه دولت مهم‌ترین نیرو و توانش را از حمایت افکارعمومی می‌گیرد. اگر جامعه نسبت به دولت بی‌تفاوت شود در مقابل، نباید این انتظار باشد که دولت امکان یا انگیزه چندانی برای ایجاد تحول در جهت خواست جامعه داشته باشد. دوم هم اینکه از دولت فقط در حد مقدورات واقعی می‌توان انتظار داشت و نه بیشتر. بیشتر از آن نه امکان بروز دارد و نه جز تضعیف روحیه و ناامیدی و احیانا پرخاش و نارضایتی ثمر دیگری خواهد داشت. باید خویشتن‌دار بود و رو به سوی آینده داشت.

۲- این حق دولت است که وضعیت میدان مانورش را برای جامعه توضیح دهد؛ مثلا اگر از دولت قبل مصوبات و تعهدات زیادی باقی مانده باشد، دولت جدید نسبت به اجرای همه آنها متعهد است. آقای روحانی در ابتدای راه اعلام کرد در صدمین روز کارش طی گزارشی اعلام خواهد کرد که وضعیت دستگاه‌ها در روزی که دولت را تحویل گرفته چگونه بوده است. در صورت انتشار این گزارش، امکان ارزیابی منطقی دولت و تصمیماتش سهل‌تر و منطقی‌تر خواهد بود.

۳- دولت باید برنامه‌محور باشد. خوشبختانه آقای روحانی در بدو امر بر این نکته تاکیدات زیادی داشته‌اند. حال در آستانه صدمین روز کاری و با روشن‌شدن وضعیت دستگاه‌ها و تعهدات آنها و پیش‌بینی کلی میزان منابع، دولت باید برنامه راهبردی و اجرایی خود را در بخش‌های مختلف به معرض دید عمومی قرار دهد، اگر به غیراز این باشد اعمال مدیریت حداکثر به توان افراد منصوب بازمی‌گردد که نتیجه نمی‌تواند چندان مطلوب باشد.

۴- یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشبرد برنامه‌های دولت، ارتباط صحیحش با جامعه مدنی و تشکل‌های صنفی و اتحادیه‌های مربوط است. وزرا در حوزه‌های مختلف باید مشکلات نمایندگان هر صنفی را بدون واسطه دریافت و برای رفع آنها با همکاری خودشان رهیافت‌های لازم را در چارچوب امکاناتی که دارند تدبیر کنند. شکاف بین جامعه و دولت به این ترتیب ترمیم می‌شود. اگر وزرا در برج عاج بنشینند و تصور کنند بدون همراهی و یاری نمایندگان اصناف به‌تنهایی و صرفا با بازوهای رسمی امکان گشایش در معضلات فعلی دارند، بی‌تردید راه به جایی نخواهیم برد.

۵- دولت باید مرتبا به افکارعمومی توضیح دهد و مشکلات را با آنها در میان بگذارد. تنها در این صورت است که افکارعمومی با درک تنگناها انگیزه‌ای برای همراهی یا پاسخگویی به مخالف‌خوانی‌ها خواهد داشت. به نظرم دولت در این صد روزه در این موضوع به شدت ضعیف عمل کرده است. مخالفان، تریبون‌های زیادی دارند و از آن طریق به طور دایمی مخالفت خود را به جامعه تزریق می‌کنند در حالی که دولت تاکنون در برابر حمله‌هایی که صورت گرفته منفعل بوده است. تدوین استراتژی اطلاع‌رسانی برای دولت از ضروری‌ترین نیازهای امروز دولت است. این یک نیاز بخشی نیست بلکه نیاز استراتژیک و بلندمدت دولت است. پیشنهاد می‌کنم موضوع به دلیل اهمیت، به معاون اول که هم جایگاه مهمی است و هم مصداقش با ظرایف حوزه اطلاع‌رسانی آشناست سپرده شود و این نقیصه هرچه‌زودتر رفع شود.

*** اشاره به این مصرع از غزل ۴۹۳ حافظ:**

صد باد صبا اینجا با سلسله می‌رقصند.

رویداد

نودمین زادروز «جلال آل‌احمد» در ارسباران

● **شرق:** به بهانه نودمین سالروز تولد «جلال آل‌احمد» امروز، شنبه دوم آذرماه، در فرهنگسرای ارسباران مراسمی با عنوان «۹۰ سال با جلال» ترتیب داده شده است. در این مراسم حجت‌الاسلام سیدمحمود دعایی، غلامرضا امامی، سیدعبدالله انوار، دکتر عباسعلی سرفرازی و احمد آل‌احمد به سخنرانی درباره نقش و جایگاه «جلال آل‌احمد» می‌پردازند. این مراسم امروز ساعت ۱۶ در سالن آمفی‌تئاتر این فرهنگسرا در خیابان گل‌نبی برگزار می‌شود.

آموزشگاه آزاد سینمایی موج نو

با مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۵۳/۶۱۳۰

بازیگری کارگردانی فیلمنامه‌نویسی

مدیر مسئول و مدیر آموزش: هوشمند ورعی

۸۸۸۸۹۶۷۰ www.mojenofilmschool.com

sharghdaily.ir